



تأثیر مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی در ارتقاء رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی

نجمه نقیبی^۱ و سید باقر حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۲۳

چکیده: خانه نخستین جایی است که انسان برای فرار از تنش‌های دنیای بیرون و رسیدن به آرامش و آسایش به آن پناه می‌برد و علاوه بر تأمین نیازهای کمی، به نیازهای کیفی زندگی انسان و فراهم نمودن شرایط مطلوب، برای خانواده و تحقق فعالیت‌های خانوادگی در آن پرداخته می‌شود. در نتیجه بررسی میزان رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی، یکی از مهمترین رویکردهای پژوهش در حوزه مسکن است. یکی از مشکلاتی که در طراحی مجتمع‌های مسکونی دیده می‌شود و مسأله‌ی این تحقیق را شامل می‌گردد، عدم رضایتمندی ساکنان به دلیل عدم رعایت مفاهیم خلوت، سلسله مراتب فضایی و عدم پیش بینی فضاهای واسط است. هدف از تحقیق حاضر، بررسی برخی از عوامل مؤثر در ارتقاء رضایتمندی ساکنان و تعیین درجه اهمیت آنها با توجه به رویکرد تحقیق است. روش تحقیق به صورت توصیفی - پیمایشی و با تکنیک دلفی بوده است. ابتدا به مطالعه پیشینه تحقیق و سپس بررسی مفاهیم رضایتمندی، خلوت، فضاهای واسط و سلسله مراتب فضایی پرداخته شد. پس از مطالعه موارد فوق، چارچوب نظری تحقیق استخراج گردید. در گام بعدی با توجه به فرضیات تحقیق و متغیرهای در نظر گرفته شده و تهیه پرسشنامه، به پرسش از ۱۹ نفر از متخصصین حوزه مسکن پرداخته شد و داده‌های پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله حاکی از آن است که متغیرهای خلوت، تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت و وجود سلسله مراتب فضایی با توجه به سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و ضریب همبستگی بالاتر از سایر متغیرها، به ترتیب تأثیرگذارترین مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی در ارتقاء رضایت ساکنان در مجموعه‌های مسکونی است. همچنین متغیر وجود فضاهای واسط دومین متغیر تأثیرگذار از مؤلفه‌های کالبدی بعد از متغیر تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت در ارتقاء رضایتمندی است.

واژگان کلیدی: مجتمع مسکونی، رضایتمندی، خلوت، فضاهای واسط، سلسله مراتب فضایی.

^۱ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بروجرد (نویسنده مسئول)

پست الکترونیکی: Najmeh.Naghibi@gmail.com

^۲ دانشیار معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۱- مقدمه

افزایش جمعیت در ایران، در نتیجه بالا رفتن تقاضای مسکن و بحران کمبود آن باعث ایجاد نگاهی کمی نگر، در ساخت مجموعه‌های مسکونی گردید. کیفیت فضای زندگی انسان و نیازهای اساسی آن به موضوعی فرعی تبدیل شده و در نتیجه فضاهای مسکونی دچار نوعی چالش‌های فرهنگی و عدم تطابق عملکرد فضاهای خانه با نیازهای استفاده‌کنندگان آن شده است. یکی از مهمترین نیازهای فطری انسان نیاز به داشتن حریم و خلوت در فضای سکونت است. مسأله مورد بررسی در این پژوهش عدم پیش‌بینی فضاهای واسط، لحاظ نمودن مفاهیمی چون خلوت و سلسله مراتب فضایی در ساختار مجتمع‌های مسکونی است که باعث می‌شود، کیفیت فضای زیستی مورد تردید قرار گیرد و با اختلال در آسایش و آرامش ساکنان، نارضایتی آنها را فراهم آورد.

مسکن یا فضای زندگی باید از دو جهت دارای کارایی باشد، یکی از جنبه مادی یعنی ایجاد محیطی با دسترسی مناسب، امکانات مناسب، درجه حرارت مطلوب، فشار مناسب، رطوبت، کوران هوا و نور مناسب و نظایر آن و دیگری از نظر پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی مردم، یعنی ایجاد فضاهای مناسب با طرز زندگی و نوع فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی، این دو شرط اگر با هم به کاملترین نحوی جمع شوند، می‌توانند سبب ایجاد حس مطلوبیت از مسکن گردیده و درجاتی از رضایت افراد را فراهم آورند (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰). اختلال در روابط همسایگی، عدم احساس آسایش و آرامش در محیط خانه و به طور کلی بروز ناهنجاری‌هایی در رفتار ساکنان مجموعه از جمله مشکلاتی است که به نظر می‌رسد، در صورت عدم توجه به نیازهای اساسی استفاده‌کنندگان از جمله مسأله رعایت مفهوم خلوت، وجود فضاهای واسط و سلسله مراتب فضایی در سازماندهی اجزاء ایجاد می‌گردد.

۱-۱- پیشینه تحقیق

از سال ۱۹۸۰ تا به امروز، رضایتمندی سکونتی ابزاری

مهم برای ارزیابی و اصلاح عملکرد توسعه دهندگان مسکن و سیاست‌های مهم دولت در حوزه مسکن بوده است (Amerigo and Aragones, 1997). مفهوم رضایتمندی بر دامنه گسترده‌ای از تمایلات و نیازهای انسان اشاره دارد و اگر بتوان بر اساس آنها شرایط سکونت را انتخاب نمود، رضایتمندی جلب می‌گردد (گیفورد، ۱۳۷۸). در هنگام خرید یک واحد مسکونی این انتظارات بر اساس تجربه خرید قبلی خریداران، توصیه‌ی دوستان و همکاران و همچنین اطلاعات و وعده‌های فروشندگان و رقبا شکل می‌گیرد (Jiboye, 2012). افرادی که نمی‌توانند خود را با شرایط فعلی سکونت سازگار نمایند، این ناسازگاری بین وضعیت فعلی مسکن و هنجارها و ضوابط، منجر به مسأله «کمبود مسکن» می‌گردد و به همین دلیل نارضایتی سکونتی افزایش می‌یابد.

در نتیجه افراد مستعد تلاش برای کاهش نارضایتی‌شان از طریق تغییر شرایط سکونتی‌شان مانند تعمیر و یا نقل مکان به شرایط مسکونی جدید هستند (Morris, 2008; et al., 1976; Salleh, 2008). در تأیید این نکته، از دیدگاه رفتاری، ساکنانی که در صدد اصلاح و بهبود وضعیت سکونتی خود بر نیامده‌اند یا عکس‌العملی در خصوص مسائل محل سکونتشان انجام نداده‌اند، نسبت به بقیه افراد از آستانه رضایتمندی بالاتری برخوردار هستند. در نتیجه نیاز برای اقدامات اصلاح و بهبود شرایط موجود، نشان دهنده نارضایتی افراد از محیط سکونتی‌شان است

(Amerigo and Aragones, 1997). در مطالعات غربی، رضایتمندی سکونتی تعیین‌کننده اصلاح مسکن و یا رفتارهای جا به جایی است. اما این موضوع در تمام جوامع با شرایط یکسان و به صورت مشابه دیده نمی‌شود. (FANG, 2006). انسان‌ها در انتخاب محل سکونت‌شان همواره به دنبال ایمنی و استحکام، قیمت مناسب و ارزان و زیبایی بوده‌اند و تلاش کرده‌اند که مسکنی را برگزینند که تأمین‌کننده آسایش جسمی و روحی و هماهنگ با الگوهای زیستی و رفتاری آنها باشد (گیدین، ۱۳۸۸). درک میزان رضایت از سوی هر شخص و در شرایط مختلف شخصی، اجتماعی،



مستقیم است (Baiden et al. 2011). وجود امکان پیاده‌روی و مناسب بودن مسیرهای آن در محله مسکونی، باعث افزایش روابط همسایگی و در نتیجه رضایتمندی از زندگی شهری می‌گردد (Mohit et al. 2014); Jaškiewicz and Besta, 2010). در نتیجه رضایتمندی از محیط سکونتی به میزان رضایت در دو معیار رضایت از واحدهای مسکونی و واحدهای همسایگی (محله) به طور مستقیم و ویژگی‌های شخصی، فرهنگی، اجتماعی فرد به طور غیر مستقیم بستگی دارد (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸؛ ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰).

در تحقیقی که با هدف ارزیابی میزان رضایتمندی از مجتمع‌های مسکونی مهر (مجتمع مسکونی مهر فاطمیه یزد) انجام شد، وجود رابطه معناداری بین متغیرهای جنسیت، اشتغال و وضعیت تأهل افراد با رضایتمندی از واحدهای مسکونی مشخص گردید. رابطه‌ی سن با رضایت معنی دار و مثبت و رابطه متغیرهای تحصیلات و متوسط درآمد ماهیانه معنی دار و منفی بوده است. ساکنان از شرایط اقتصادی مجتمع اظهار نارضایتی اما از امنیت، روشنایی و تهویه و ویژگی‌های کالبدی مجتمع اظهار رضایت کرد و از روابط همسایگی، دید و منظر، زیست‌محیطی، تسهیلات مجتمع، دسترسی و حمل و نقل و مدیریت و نگهداری در حد متوسط راضی بوده‌اند (رضایی و کمائی زاده، ۱۳۹۱).

همچنین در مطالعات صورت گرفته وجود رابطه‌ی معنی دار بین استفاده از بام توده‌های ساختمانی به عنوان فضاهای جمعی و تفریحی، کاهش هزینه‌های خرید مسکن، حس همسایگی، توجه به حریمت و تفکیک فضاها در واحد مسکونی، حذف رنگ‌های روشن و ایجاد روشنایی طبیعی در راه پله با میزان رضایتمندی ساکنین مشاهده شده است (نظری برون، ۱۳۹۲). در بررسی رضایتمندی سکونتی در محله نواب، ساکنان از امنیت مجتمع راضی بودند و از روابط همسایگی در حد متوسط رضایت داشتند. تسهیلات و امنیت مجتمع بالاترین و دید و منظر کمترین میزان اهمیت را از دیدگاه ساکنان داشت. هیچ کدام از

اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی متفاوت است (Van poll, 1997; HALILOĞLU KAHRAMAN, 2013). در نتیجه، اندازه‌گیری میزان رضایتمندی از محل سکونت به بسیاری از عوامل فردی و غیر فردی بستگی دارد. از جمله خصوصیات فردی می‌توان به عوامل جمعیتی، شخصیتی، ارزش‌ها، انتظارات و آرمان‌ها، مقایسه با سایر سکونتگاه‌ها و امید به آینده اشاره نمود (گیفورد، ۱۳۷۸؛ جواهرپور و همکاران، ۱۳۹۰). درک ساکنان از محیط شان، کیفیت زندگی آنها را تعریف می‌کند و مفهوم رضایتمندی سکونتی بازگو کننده ادراک افراد از کیفیت زندگی است (Jiboye, 2012). برخی از ویژگی‌های فردی همچون سن، جنسیت و مالکیت بر روی ادراک کیفیت محیط تأثیر می‌گذارند و ساکنان با وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر، افراد سالخورده و مالکین به ترتیب در مقایسه با ساکنان با موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر، افراد جوان‌تر و مستأجران از ویژگی‌های فیزیکی و محیطی حاکم بر واحدهای همسایگی‌شان بیشتر راضی بوده‌اند (گیفورد، ۱۳۷۸؛ Mohit et al. 2010).

طی تحقیقات انجام شده پژوهشگران دریافتند که ویژگی‌های همسایه‌ها مرکز اصلی رضایتمندی از واحد همسایگی است (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸). مشابه بودن همسایگان نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های همسایگان، می‌تواند باعث ارتقاء رضایتمندی ساکنان گردد (گیفورد، ۱۳۷۸). بین رضایتمندی سکونتی و یکسان بودن ساکنان از نظر اجتماعی رابطه‌ای دو سویه وجود دارد. هم رضایتمندی باعث بالا رفتن یکپارچگی اجتماعی بین ساکنین شده و هم یکپارچگی اجتماعی ساکنان رضایتمندی را افزایش می‌دهد. نرخ پایین جابه‌جایی همسایه‌ها نیز باعث ارتباط قوی‌تری بین آنها می‌گردد (HALILOĞLU KAHRAMAN, 2013). همچنین تأیید شده است که شرکت در فعالیت‌های مرتبط با واحد همسایگی و محیط محله‌ای و انجام ملاقات‌های مکرر با همسایه‌ها با وجود رضایتمندی سکونتی بالا رابطه معنی داری داشته است (Amerigo and Aragones, 1997; Mohit et al., 2010). سازش و صلح در محیط اجتماعی و رضایتمندی سکونتی در برخی مطالعات دارای ارتباط

متغیرهای شخصی و خانوار بر روی میزان رضایتمندی تأثیرگذار نبود (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸). مشخصه‌های فیزیکی واحد مسکونی، امکانات همگانی، محیط اجتماعی و سرویس‌های ارائه شده در حیطه سکونت، که سطح رضایتمندی را تعیین می‌نمایند، بر اساس نوع مسکن، مکان آن، اجتماع، پیش‌زمینه‌های فرهنگی و همچنین نوع ملیت تغییر می‌کند. بنابراین برای مطالعه رضایتمندی سکونتی در هر منطقه، باید مشخصه‌هایی را تعیین نمود که مختص همان منطقه باشد. در نتیجه بررسی رضایتمندی سکونتی باید هم بر اساس تعاریف و مفاهیم بین‌المللی و هم بر اساس مطالعات انجام شده در کشورهای مشابه انجام گیرد (Mohit and Azim, 2012).

ارزیابی رضایتمندی سکونتی از خانه‌ها و همسایگی آن بر اساس جنبه‌های عملکردی، دسترسی، کفایت و کارایی فضایی، زیبایی شناختی، امنیت، خلوت (حریم) و حس اجتماعی در میان افراد انجام می‌گیرد (Jiboye, 2012). همان‌طور که در بالا گفته شد، نوع مسکن که خلوت و حریم خصوصی را برای ساکنان فراهم می‌کند، در رضایتمندی مؤثر است (Baiden et al, 2011).

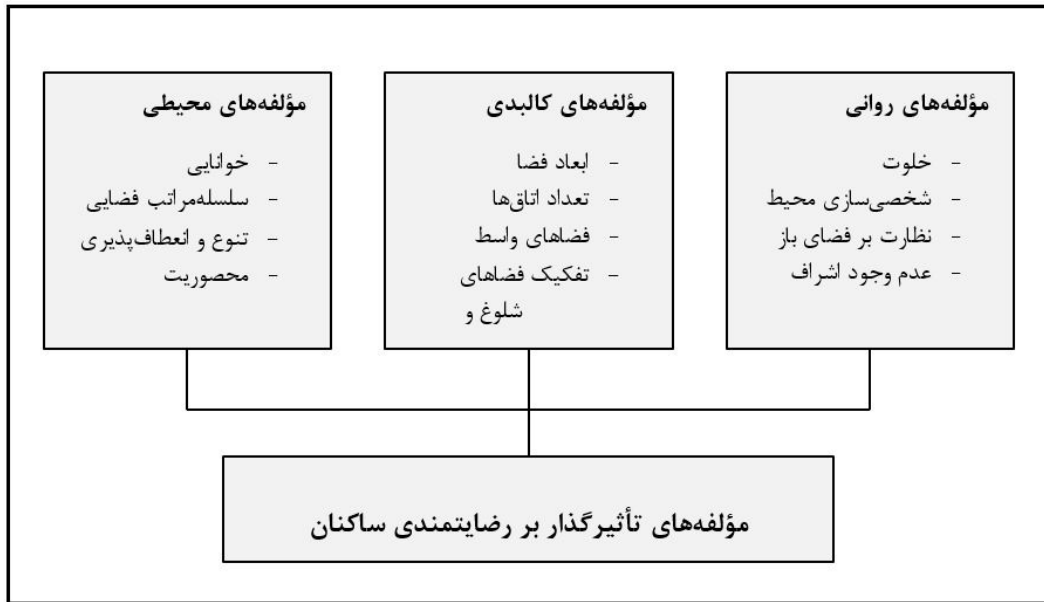
اما نتایج بررسی ارتباط نوع مسکن، ادراک خلوت (حریم خصوصی) و میزان رضایتمندی در دو محله ی ایالت ویرجینیا نشان داد که مستقل و یا پیوسته (ردیفی) بودن خانه‌ها، ربطی به رضایتمندی ساکنان ندارد و در این رابطه طراحی مسکن بسیار مهم‌تر از طراحی سایت است. (L. Day, 2000). در تحقیق دیگری نیز رضایتمندی ساکنین معیاری برای اندازه‌گیری عملکرد ساختمان‌های مسکونی قرار گرفت و در سنجش این رضایتمندی علاوه بر مشخصات فیزیکی، فضایی، مکانی، سرویس و خدمات و مشخصه‌های اقتصادی، ویژگی‌های فردی ساکنان نیز لحاظ گردید. روشنایی، آسایش بصری، دمایی، آکوستیکی و فضایی، کیفیت هوای داخلی، امنیت و حفاظت، کیفیت خدمات و کیفیت زیبایی از جمله مواردی است که در ارزیابی رضایتمندی ساکنان در نظر گرفته شده است (Ibem et al., 2013).

مدت زمان اقامت در یک محیط مسکونی به طور مثبت و اندازه خانوار و کار کردن زن خانه به طور منفی یا معکوس با رضایتمندی در ارتباط است. همچنین هر چه تراکم مسکونی پایین‌تر باشد، رضایتمندی بیشتری حاصل می‌گردد (HALILOĞLU KAHRAMAN, 2013). در میان مشخصه‌های داخلی فضای خانه، رابطه قوی بین مصالح دیوار، سقف و کف و رضایتمندی سکونتی وجود دارد (Zanuzdana et al., 2013).

جدول ۱- مؤلفه‌های و متغیرهای تأثیر گذار بر رضایتمندی با توجه به مطالعه پیشینه تحقیق

شماره	مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها
۱	مؤلفه‌های فردی	جنسیت- سن- میزان تحصیلات- اشتغال- وضعیت تأهل- متوسط درآمد ماهیانه- بعد خانوار- نوع مالکیت
۲	مؤلفه‌های فرهنگی	آداب و رسوم- باورها و اعتقادات
۳	مؤلفه‌های اجتماعی	روابط همسایگی- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی- امنیت و حفاظت
۴	مؤلفه‌های اقتصادی	هزینه خرید و تسهیلات وام مسکن
۵	مؤلفه‌های روانی	امنیت- خلوت- شخصی سازی محیط- امکان نظارت بر فضای باز- عدم وجود اشراف- طول مدت سکونت
۶	مؤلفه‌های کالبدی	ابعاد واحد مسکونی- ابعاد فضاها- وجود فضای باز - جداسازی فضاها شلوغ و خلوت- وجود فضاها و واسط- تعداد اتاق‌ها- حریمیت و تفکیک فضاها در واحد مسکونی- افزایش فضای لابی- استفاده از بام توده‌های ساختمانی به عنوان فضاها و تفریحی- تعداد واحدهای موجود در مجتمع- تعداد توالت- وجود سالن اجتماعات
۷	مؤلفه‌های محیطی	روشنایی و تهویه- رنگ فضا- دید و منظر- زیست محیطی- تسهیلات و امکانات مجتمع- دسترسی و حمل و نقل- تنوع/ انعطاف پذیری- سلسله مراتب فضایی- محصوریت و تناسب فضاها- خوانایی- مدیریت و نگهداری- امکانات معلولین- تراکم- کیفیت مصالح

توجه به نیازهای گروه‌های محروم جامعه و مطالعه رضایتمندی سکونتی در میان آنها از پتانسیل بالایی برخوردار است زیرا با تغییر نیاز خانواده‌ها به مرور زمان، آنها بودجه و درآمد کافی برای تغییر و اصلاح در مشخصات محل سکونتشان ندارند (FANG, 2006).



شکل ۱- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایتمندی ساکنان

تعامل اجتماعی دلخواه فرد تعریف شده است (لنگ، ۱۳۸۶). در مجتمع‌های مسکونی که حریم کافی برای واحدهای آپارتمانی در نظر گرفته نشده باشد، نارضایتی ساکنان را همراه خواهد داشت (مرندی، ۱۳۸۷). تمامی پدیده‌ها به دلیل داشتن سه مشخصه وحدت، نظام و کمال برای اتصال به یکدیگر بدون مختل ساختن نظم درونی و کارکرد هر یک، به عنصر واسطه‌ای احتیاج دارند (دوستی مطلق، ۱۳۸۸). ورودی بنا، ایوان‌ها، رواق‌ها، هشتی‌ها و... نمونه‌ای از فضاهای بینابینی هستند (لفافچی و جهاندار، ۱۳۹۱). یکی از مهمترین نقش‌های مفاصل، ایجاد سلسله‌مراتب فضایی از خصوصی تا عمومی و ایجاد پیوستگی عرصه‌هاست (دوستی مطلق، ۱۳۸۸). سازماندهی اجزاء و عناصر در بنا (بیلان اصل و همکاران، ۱۳۹۰) و همچنین ایجاد مکث، تعیین نحوه دسترسی، ارتباط فضایی و همچنین کنترل‌گری (بصری، حرارتی، نور و تاریکی، حریمیت و نفوذپذیری) از نقش‌های دیگر این مفاصل هستند (دوستی مطلق، ۱۳۸۸).

• سلسله مراتب فضایی

یکی از ویژگی‌هایی که در رسیدن به وحدت مورد توجه قرار می‌گیرد، اصل سلسله مراتب است (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰). حفظ و اعمال ارزش‌هایی مانند: حریمیت، آرامش، امنیت، خلوت، حیا، سادگی، تنظیم شرایط محیطی در انواع اقلیم‌ها و توجه به درون بیشتر از بیرون سبب شده تا یک نوع سلسله مراتب قوی،

با مطالعه پژوهش‌های انجام شده در حیطه رضایتمندی سکونتی مشخص گردید، مؤلفه‌های متعددی همچون مؤلفه‌های فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، کالبدی و محیطی در سنجش میزان رضایتمندی ساکنان و ارتقاء سطح رضایت آنان تأثیرگذار بوده است. همان طور که در جدول شماره ۱ مشخص شده است، متغیرهای تأثیرگذار بر رضایتمندی ساکنان در قالب ۷ مؤلفه فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، کالبدی و محیطی وجود دارند. اما در این میان به دلیل گستردگی متغیرها و با توجه به هدف تحقیق، تنها برخی از مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی در نظر گرفته شده‌اند.

لذا این تحقیق برآن است تا با مطالعه‌ی پیشینه و تحقیقات میدانی انجام گرفته، به بررسی جایگاه متغیرهای خلوت، وجود فضاهای واسط و سلسله مراتب فضایی در میان سایر متغیرهای تأثیرگذار در ارتقاء رضایتمندی سکونتی پرداخته و نهایتاً به ارائه راهکارهای طراحی معماری با توجه به رویکرد تحقیق بپردازد.

• خلوت

وجود خلوت در محیط زندگی، می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب در ابعاد فردی و اجتماعی بیانجامد. علاوه بر آن، آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط مناسب اعضای آن با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند خلوت در مسکن است (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱). خلوت توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان

روشن و منحصر به فرد در شهرهای اسلامی به وجود بیاید (نصر، ۱۳۸۰).

در این پژوهش سعی شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود که کدام یک از مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی بیشترین تأثیر را در ارتقاء رضایتمندی افراد از محیط سکونتی‌شان دارند و از دیدگاه متخصصین حوزه معماری و مسکن، متغیرهای اصلی تحقیق در میان سایر متغیرها از چه جایگاهی برخوردار است. بدین منظور متناظر با سؤالات مطرح شده فرضیات تحقیق به قرار زیر است:

- اگر به مفهوم خلوت به‌عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌های روانی در طراحی مسکن توجه بیشتری گردد، رضایتمندی افزایش می‌یابد.
- اگر به وجود فضاهای واسط در طراحی مسکن به‌عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌های کالبدی توجه بیشتری شود، رضایتمندی ارتقاء خواهد یافت.
- اگر به وجود سلسله مراتب فضایی به‌عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌های محیطی توجه بیشتری شود، رضایتمندی ارتقاء خواهد یافت.

۲- روش تحقیق

با توجه به هدف اصلی تحقیق که همانا بررسی عوامل ارتقاء رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی بوده است و گستردگی معیارهای رضایتمندی و عدم امکان بررسی همه آن‌ها در چارچوب یک مقاله، تنها برخی از مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی که با رویکرد تحقیق حاضر ارتباط بیشتری داشته‌اند انتخاب شده‌اند. روش تحقیق در پژوهش حاضر روش توصیفی-پیمایشی با تکنیک دلفی بوده است. با جمع‌آوری و استخراج اطلاعات از پایان‌نامه‌ها، مقالات، کتاب‌ها، اسناد الکترونیک، پیشینه تحقیق به روش تحلیل محتوا مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و چارچوب نظری استخراج گردید.

در گام اول با مرور ادبیات موضوع و مصاحبه نیمه ساختار یافته مؤلفه‌ها شناسایی گردید. با توجه به مؤلفه‌های موثر، بر اساس جدول هدف محتوا، سؤالات پرسشنامه محقق و با پیمایش دلفی بین ۱۹ نفر از

متخصصین حوزه معماری و مسکن، داده‌های لازم جمع‌آوری شده است. داده‌های حاصل از سؤالات پرسشنامه با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار SPSS تحلیل نرم‌افزاری شده و یافته‌های تحقیق استخراج و در نهایت نتایج کلی تحقیق جمع‌بندی گردید. در این تحقیق از پرسشنامه بسته استفاده شده است و در سؤالات پرسشنامه که برای سنجش متغیرهای اصلی مورد استفاده قرار گرفته از مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای استفاده شده است.

جدول ۱- طیف لیکرت

کاملاً مخالفم	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
۱	۲	۳	۴	۵

در فرآیند پیمایش تحقیق، با توجه به استفاده از تکنیک دلفی و جمع‌آوری اطلاعات گروهی، جامعه آماری متخصصین و یا خبرگان حوزه معماری و مسکن و آشنا به موضوع تحقیق بوده است. از آنجایی که در پیمایش با تکنیک دلفی تعداد متخصصین انتخاب شده‌اند معمولاً کمتر از ۵۰ نفر و اکثراً ۱۵ تا ۲۰ نفر است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷)، در این تحقیق از ۱۹ نفر از متخصصین استفاده شده است.

پیش از تعیین روش آماری مناسب برای تحلیل، فرضیه نرمال بودن مشاهدات به صورت توصیفی با استفاده از رسم نمودار احتمال نرمال و نمودار هیستوگرام و همچنین به صورت استنباطی با استفاده از آماره کلموگروف-اسمیرنوف، بررسی شد. با توجه به آنکه P value بیشتر از ۰/۰۵ بوده است، بنابراین در سطح ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت توزیع جامعه نرمال است. در نتیجه به منظور تعیین میزان همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته و جهت رد و یا قبول فرضیات تحقیق از آزمون رو^۱ یا ضریب همبستگی اسپیرمن^۲ استفاده شده است.

روایی^۳ و پایایی^۴ پرسشنامه:

مفهوم روایی یا اعتبار به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را



۳- یافته‌های پژوهش

در این بخش آماره‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی (میزان تحصیلات، رشته تخصصی و مدت زمان سابقه طراحی در حوزه مسکن) و متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. سپس فرضیات تحقیق از طریق آماره‌های استنباطی با بررسی وجود یا عدم وجود ارتباط معناداری بین متغیرهای مستقل و وابسته و میزان همبستگی آنها با استفاده از آزمون رو یا ضریب همبستگی اسپیرمن ارزیابی شده‌اند. در حجم نمونه بیشتر افراد متخصص میزان تحصیلات بالاتر از لیسانس داشتند به طوری که ۷۸/۹ درصد آنها فوق لیسانس و ۲۱/۱ درصد آنها لیسانس هستند.

جدول ۲- قابلیت اطمینان ابزار تحقیق (پایایی پرسشنامه)

آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات
۰/۸۴۵	۳۴

می‌سنجد. بدین منظور برای تعیین روایی پرسشنامه در این تحقیق از روایی نمادی^۵ یا صوری که زیر بخشی از روایی محتوایی است، استفاده شده و منظور از آن به کارگیری نظرات متخصصین امر که همان استادان، خیرگان و متخصصین هستند. همچنین به منظور اطمینان از نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه، اقدام به بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه شده است. مقصود از قابلیت اعتماد یک وسیله اندازه‌گیری، آن است که اگر خصیصه مورد سنجش با همان وسیله (همان ابزار اندازه‌گیری)، تحت شرایط مشابه، به طور مکرر اندازه‌گیری گردد، نتایج به دست آمده تا چه حد مشابه، دقیق و قابل اعتمادند. بدین منظور برای محاسبه پایایی پرسشنامه پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ که یکی از معتبرترین و متداولترین آزمون‌ها در زمینه سنجش پایایی پرسشنامه است، استفاده شده. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS، مقدار ۰/۸۴ برآورد شد که با توجه به اینکه مقدار آن از ۰/۷۰ بیشتر است. لذا ضریب آلفای به دست آمده نشان دهنده قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه پژوهش است.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی متغیرهای تأثیرگذار بر رضایتمندی

وزن نهایی	کاملاً مخالفم (۱)		مخالفم (۲)		موافقم (۴)		کاملاً موافقم (۵)		مؤلفه‌ها	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	یز و زم	درصد	فراوانی		
۴/۴۷	۰	۰	۰	۰	۱۰/۵	۲	۸۹/۵	۱۷	خلوت	مؤلفه‌های روانی
۴/۱۶	۰	۰	۰	۰	۸۴/۲	۱۶	۱۵/۸	۳	شخصی سازی محیط	
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۹	نظارت بر فضای باز	
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۹	عدم وجود اشراف	
۴/۶۶									میانگین امتیازات	
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۹	تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت	مؤلفه‌های کالبدی
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۹	وجود فضاهای واسط	
۴/۸	۰	۰	۰	۰	۲۱/۱	۴	۷۸/۹	۱۵	وجود فضای باز	
۴/۶۳	۰	۰	۰	۰	۳۶/۸	۷	۶۳/۲	۱۲	ابعاد فضا	
۲/۶۳	۲۱/۱	۴	۳۶/۸	۷	۴۲/۱	۸	۰	۰	تعداد اتاق ها	
۴/۴۱									میانگین امتیازات	
۴/۵۳	۰	۰	۰	۰	۴۷/۴	۹	۵۲/۶	۱۰	خوانایی	مؤلفه‌های محیطی
۴/۴۷	۰	۰	۰	۰	۱۰/۵	۲	۸۹/۵	۱۷	سلسله مراتب فضایی	
۲/۷۴	۰	۰	۲۱/۱	۴	۶۳/۲	۱۲	۱۵/۸	۳	تنوع و انعطاف پذیری	
۴/۸۴	۰	۰	۰	۰	۱۵/۸	۳	۸۴/۲	۱۶	محصوریت	
۴/۳۶									میانگین امتیازات	

روانی در افزایش رضایتمندی ساکنان است. با توجه به نتایج حاصل، فرضیه اول تأیید می‌گردد.

جدول ۴- آزمون همبستگی مؤلفه‌های روانی و رضایتمندی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	بررسی رابطه معنی داری مؤلفه‌های روانی و رضایتمندی
۰	۰/۷۲۳	خلوت
۰/۰۰۳	۰/۶۴۵	عدم وجود اشراف
۰/۰۴۰	۰/۴۷۶	شخصی سازی محیط
۰/۵۳۵	۰/۱۵۲	نظارت بر فضای باز

در بررسی فرضیه دوم مبنی بر وجود فضاهای واسط به عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی کالبدی در ارتقاء رضایتمندی، مشخص گردید که سطح معناداری متغیرهای تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت، وجود فضاهای واسط، وجود فضای باز و تعداد اتاق‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین این متغیرها و میزان رضایتمندی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن به دست آمده برای متغیر تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت بیشترین مقدار را داشت، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی کالبدی در افزایش رضایتمندی ساکنان است و فضاهای واسط در جایگاه بعدی قرار دارد. با توجه به نتایج حاصله، فرضیه‌ی دوم مورد تأیید قرار نگرفت.

جدول ۵- آزمون همبستگی مؤلفه‌های کالبدی و رضایتمندی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	بررسی رابطه معنی داری مؤلفه‌های کالبدی و رضایتمندی
۰/۰۰۱	۰/۶۹۷	تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت
۰/۰۰۱	۰/۶۸۵	وجود فضاهای واسط
۰/۰۰۱	۰/۶۸۳	وجود فضای باز
۰/۰۰۳	۰/۶۳۶	تعداد اتاق‌ها
۰/۰۵۴	۰/۴۴۹	ابعاد فضا

همچنین در بررسی فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود سلسله مراتب فضایی به عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی محیطی در ارتقاء سطح رضایتمندی، مشخص گردید سطح معنا داری متغیرهای خوانایی، سلسله مراتب فضایی و تنوع و انعطاف پذیری کوچکتر از ۰/۰۵ است،

این موضوع نشان دهنده حضور متخصصان برجسته در حوزه مورد مطالعه جهت ارائه نظرات است. همچنین با توجه به بررسی میزان سابقه فعالیت افراد حجم نمونه، ۵۷/۹ درصد متخصصین دارای سابقه پنج سال به بالا و ۴۲/۱ درصد سابقه کمتر از ۵ سال دارند، که مشخص می‌کند اکثریت افراد نمونه تجربه خوبی در زمینه طراحی مسکن دارند. در این تحقیق برخی از متغیرهای مربوط به ارتقاء رضایتمندی در قالب ۳ مؤلفه روانی، کالبدی و محیطی ارائه شده‌اند. در این بخش پس از جمع‌آوری داده‌ها، تعیین مقدار فراوانی و امتیازدهی به هر یک از گزینه‌های طیف لیکرت، وزن نهایی هر یک از متغیرها مشخص گردید. لازم به ذکر است وزن نهایی، درجه اهمیت متغیر را در ارتباط با رضایتمندی نشان می‌دهد. همان طور که در جدول شماره ۴ مشخص شده است، اکثر متغیرها از وزن بالایی برخوردارند، اما با توجه به فراوانی و وزن نهایی بدست آمده، درجه اهمیت مؤلفه‌های روانی از سایر مؤلفه‌ها بیشتر بوده است. پس از آن مؤلفه‌های کالبدی و محیطی به ترتیب دارای امتیازات بالایی هستند. همان طور که از جدول فوق مشخص است، در بین متغیرها، متغیر کالبدی تعداد اتاق‌ها و متغیر محیطی تنوع و انعطاف‌پذیری به ترتیب دارای کمترین امتیاز (۲/۶۳) و (۳/۷۴) است. متغیرهای وجود فضاهای واسط، تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت از مؤلفه‌های کالبدی و نظارت بر فضای باز و عدم وجود اشراف از مؤلفه‌های محیطی دارای بیشترین امتیاز (۵) است.

بررسی فرضیات پژوهش

در بررسی فرضیه اول پژوهش مبنی بر رعایت مفهوم خلوت به عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی روانی در افزایش سطح رضایتمندی، مشخص گردید که سطح معناداری متغیرهای خلوت، شخصی سازی محیط و عدم وجود اشراف کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین این متغیرها و میزان رضایتمندی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن به دست آمده برای خلوت بیشترین مقدار را داشته، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رعایت مفهوم خلوت تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی



راستای دید، ارتفاع گرفتن از سطح معابر به منظور حذف دید مزاحم به واحدهای پایینی به منظور کنترل اشراف و همچنین کاهش سرو صدای ناخواسته و طراحی فضای باز خصوصی در طبقات در قالب تراس‌ها با عملکرد حیاط با اشراف حداقل راهکارهایی است که می‌توانند با امکان ایجاد فضای شخصی و قلمرو مناسب برای ساکنان، در ایجاد میزان رضایت بخشی از مفهوم خلوت در طراحی‌ها مؤثر باشند.

مؤلفه‌های کالبدی و محیطی به ترتیب در درجه دوم و سوم اهمیت قرار داشته‌اند. جایگاه تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت به عنوان تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی کالبدی در ارتقاء سطح رضایتمندی سکونتی مشخص گردید. دستیابی به این مهم می‌تواند از طریق دورنمودن و ایجاد فاصله میان فضاهای شلوغ خانه یا فضاهای کار و فضاهای با میزان خلوت بیشتر مانند فضاهای استراحت و تجمع خانواده از طریق تعریف فضای سوم میان آنها تحقق یابد.

متغیر وجود فضاهای واسط در جایگاه دوم اهمیت بعد از متغیر تفکیک فضاهای شلوغ و خلوت در میان مؤلفه‌های کالبدی قرار دارد. با تفکیک حریم‌های خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی در واحدهای مسکونی با استفاده از فضاهای واسط با توجه به نقش این فضاها در سازماندهی اجزاء و ایجاد پیوستگی بین فضاها، نقش و جایگاه این مؤلفه در افزایش سطح رضایتمندی ساکنان مشخص خواهد شد. در میان مؤلفه‌های محیطی نیز متغیر رعایت سلسله مراتب فضایی از طریق ایجاد نظم بین اجزاء محیط با افزایش سطح امنیت و آسایش و آرامش ساکنان، موجب ارتقاء رضایتمندی ساکنان در مجموعه‌های مسکونی می‌شود. با استفاده از مقیاس‌های میانی و فضاهای واسط در طراحی‌ها می‌توان سلسله مراتب مورد نظر را جهت تفکیک فضاها پیاده سازی نمود.

پی نوشت

- ¹ Rho
- ² Spearman
- ³ Validity
- ⁴ Reliability
- ⁵ Face validity

لذا بین این متغیرها و میزان رضایتمندی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن به دست آمده برای متغیر سلسله مراتب فضایی بیشترین مقدار را داشت، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سلسله مراتب فضایی تأثیرگذارترین مؤلفه‌ی کالبدی در افزایش رضایتمندی ساکنان است. با توجه به نتایج حاصله، فرضیه‌ی سوم تأیید گردید.

جدول ۶- آزمون همبستگی مؤلفه‌های محیطی و رضایتمندی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	بررسی رابطه معنی داری مؤلفه‌های محیطی و رضایتمندی	تفسیر
۰/۰۰۳	۰/۶۴۹	سلسله مراتب فضایی	بسیار قوی
۰/۰۰۴	۰/۶۳۳	تنوع و انعطاف پذیری	
۰/۰۰۷	۰/۵۹۸	خوانایی	
۰/۵۳۱	۰/۱۵۳	محصوریت	

۴- نتیجه گیری

شناسایی و بررسی عوامل تأثیرگذار در ارتقاء رضایتمندی ساکنان از محیط‌های سکونتی‌شان، می‌تواند ما را در راستای طراحی مجموعه‌های مسکونی جدید با سطح رضایتمندی بالا و اصلاح و بهبود مشکلات مجموعه‌های موجود، یاری رساند. با بررسی برخی از مؤلفه‌های روانی، کالبدی و محیطی تأثیرگذار در ارتقاء سطح رضایتمندی سکونتی، مشخص گردید. در میان این سه مؤلفه، مؤلفه‌های روانی بیشترین تأثیر را در افزایش سطح رضایتمندی داشته‌اند و در این میان مؤلفه‌ی رعایت مفهوم خلوت با وجود سطح معناداری، دارای بالاترین ضریب همبستگی بوده است. در نتیجه می‌توان گفت بالاترین تأثیر را در میان مؤلفه‌های روانی در افزایش سطح رضایتمندی داراست. بدین منظور برای رسیدن به حد مطلوب خلوت مورد نیاز ساکنان، نکاتی چون جلوگیری از دید و صداهای ناخواسته و مزاحم، ایجاد ارتباطات محدود میان همسایگان، ایجاد فضاهایی برای تنها بودن با خود و ... می‌تواند ما را در رسیدن به این هدف یاری رساند. در این راستا تعریف مناسب ورودی با تعریف پیش فضا و فضای مکث و کنترل دید از خارج واحد مسکونی به داخل آن از طریق موانع کالبدی و تغییر زوایه در

منابع

- احمدی، فضل‌الله؛ نصیریانی، خدیجه؛ و ابادری، پروانه. (۱۳۸۷). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. مجله آموزش در علوم پزشکی، دوره ۸، شماره ۱، ۱۸۵-۱۷۵.
- ارژمند، محمود؛ خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. تهران. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۷.
- جواهرپور، حسام؛ حسینی، سید باقر؛ و نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۱). میزان رضایتمندی ساکنان محله نارمک از فضاهای باز و تسهیلات عمومی محیط مسکونی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، سال پنجم، شماره ۹، ۴۵-۵۹.
- دوستی مطلق، پیوند. (۱۳۸۸). مواجهه بیرون و درون. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه علم و صنعت.
- ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ و رهبری منش، کمال. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان (مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران). هویت شهر، شماره ۸، ۱۱۸-۱۰۳.
- رضایی، محمدرضا؛ و کمائی زاده، یعقوب. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مجتمع‌های مسکن مهر مطالعه موردی: سایت مسکن مهر فاطمیه شهر یزد. مطالعات شهری، شماره پنجم، ۲۶-۱۳.
- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی؛ و عسگری زاده، زهرا. (۱۳۸۸). رضایتمندی شهروندان از محیط‌های سکونتی شهری. نشریه علوم محیطی، سال هفتم، شماره ۱، ۶۸-۵۷.
- طیبیان، منوچهر؛ چرنگو، نصیبه؛ و عبدالهی مهر، انسیه. (۱۳۹۰). بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی. آرمان شهر، شماره ۷، ۶۳-۷۶.
- گیدیون، زیگفرد. (۱۳۸۸). فضا، زمان و معماری. ترجمه منوچهر مزینی. ویرایش اول. چاپ دوازدهم.
- گیفورد، رابرت. (۱۳۷۸). روانشناسی محیط‌های مسکونی. ترجمه وحید قبادیان. فصلنامه معماری و فرهنگ. شماره ۲ و ۳.
- لفافچی، مینو، جهاندار، نسیم. (۱۳۹۱). حریم و مرزهای بینابینی در فضای معماری سنتی ایران (با رویکردی بر ترویج الگوهای بومی در معماری معاصر ایران). همایش ملی صد سال معماری و شهرسازی ایران معاصر. کرج. سازمان نظام مهندسی ساختمان استان البرز.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه علیرضا عینی فر. انتشارات دانشگاه تهران.
- مزندي، مجید اسمعیلی. (۱۳۸۷). طراحی مجتمع مسکونی با توجه به مسئله حریمیت (مورد مطالعاتی: تهران- منطقه ۲۲). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه تربیت مدرس.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). معرفت و امر قدسی. ترجمه فرزاد حاجی میرزایی. تهران. نشر فروزان روز، چاپ اول.
- نظری برون، محمد. (۱۳۹۲). بررسی ادراک و رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های مسکونی از کیفیت‌های فضایی با توجه به خصوصیات فردی و اجتماعی (مطالعه موردی-شهر مشهد). دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی (از نظریه تا کاربرد در دنیای معاصر).
- Amerigo, M., & Aragonés, J.I. (1997). A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology* (17), 47-57.
- BAIDEN, P., ARKU, G., LUGINAAH, I., ASIEDU, A. B. (2011) An assessment of residents' housing satisfaction and coping in Accra, Ghana. *Journal of Public Health*. 19(1), 29-37.



- FANG, Y. (2006). Residential Satisfaction, Moving Intention and Moving Behaviours: A Study of Redeveloped Neighborhoods in Inner-City Beijing. *Housing Studies*, 21(5),671-694.
- HALILOĞLU KAHRAMAN, Z.E. (2013).Dimensions of Housing Satisfaction: A Case Study Based on Perceptions of Rural Migrants Living in Dikmen. *METU Journal of the Faculty of Architecture*. 30(1) 1-27.
- Ibem, E. O.,Opoko, A. P., Adeboye, A. B. ,Amole, D. (2013). Performance Evaluation of Residential Buildings in Public Housing Estates in Ogun State, Nigeria: Users' satisfaction perspective. *Frontiers of Architectural Research*,(2), 178-190.
- Jaśkiewicz, M., Besta, T. (2014). Is Easy Access Related to Better Life? Walkability and Overlapping of Personal and Communal Identity as Predictors of Quality of Life. *Applied Research in Quality of Life*, 9(3), 505-516.
- Jiboye, A.D. (2012). Post-occupancy evaluation of residential satisfaction in Lagos, Nigeria: Feedback for residential improvement. *Frontiers of Architectural Research* ,(1), 236-243.
- L.Day, Linda. (2000). Choosing a House: The Relationship between Dwelling Type, perception of privacy and residential satisfaction. *Journal of planning education and research*, (19), 265-275.
- Mohit, M. A., Azim, M. (2012). Assessment of Residential Satisfaction with Public Housing in Hulhumale', Maldives. *Social and Behavioral Sciences*,(50) 756 – 770.
- Mohit, M. A., Ibrahim, M., Rashid, Y.R. (2010). Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost. *Habitat International*. 34 (1), 18-27.
- Morris, E., Crull, S., & Winter M. (1976). Housing norms, Housing Satisfaction and the Propensity to Move. *Journal of Marriage and the Family*, (38),309-320
- Van Poll, R. (1997). The Perceived Quality of the Urban Residential Environment A Multi-Attribute Evaluation. Gronigen University Press.
- Salleh, A.G.(2008). Neighbourhood factors in private low-cost housing in Malaysia. *Habitat International* .32(4),485-493.
- ZANUZDANA, A., KHAN, M., KRAEMER, A. (2013) Housing satisfaction related to health and importance of services in urban slums: evidence from Dhaka, Bangladesh. *Social Indicators Research*. 112(1), 163-185.